

# نماد و اسطوره‌های مرتبط با آب و نور در هنر ایران قرون اولیه اسلامی (نمونه‌ی پژوهش: اشیای خانگی قرون دوم تا چهارم هجری)

دکتر صمد سامانیان

عضو هیئت علمی گروه صنایع دستی دانشگاه هنر

دکتر سید رضا مرتضایی

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

پرديس بهمني

دانشجوی دکترای پژوهش هنر در دانشگاه هنر

## چکیده

«از طرفی، تمدن به همهی تغییرات کمی و کیفی‌ای اطلاق می‌شود که در زندگی بشری حاصل شده و در عرصه‌ی حیات مشترک انسان‌هایی که با هم در ارتباط اند مجال ظهور و بروز و ماندگاری و تحول یافته است. تمدن به نسبت فرهنگ که جزء خالص موجودیت گروه اجتماعی معینی را تشکیل می‌دهد، بر همهی آثار و نشانه‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی راه‌یافته در زندگی تاریخی مردمی خاص و زمان و مکانی بالاختصاص اشتمال می‌یابد» (شعبانی، ۲۰۱). در این رابطه، اشیای و لوازمی که مردم در زندگی روزمره استفاده می‌نمایند اهمیت خاصی در تحقیق پیرامون زندگی و فرهنگ ایشان داشته و از بررسی آن‌ها می‌توان به شیوه‌ی زندگی مردم دست یافت.

در مقاله‌ی حاضر می‌کوشیم به تبیین نقش اسطوره و نماد در اشیای خانگی بپردازیم. به عبارت دیگر، کار اصلی این مقاله، نمایاندن نقش اسطوره‌ها و نمادها به خصوص نمادها و اسطوره‌های مربوط به آب و نور در شکل‌گیری و فرم اشیای خانگی است. با این حال فرضیه‌ی این تحقیق عبارت است از: نقش اسطوره و نماد در روابط میان اشیای و باورهای فرهنگی. جهت نیل به این فرضیه، ابتدا تعریف‌های مورد نظر خود را در مورد مفاهیم فرهنگ، نماد و اسطوره بیان می‌کنیم. سپس، کارکرد اسطوره و نماد را در اشیای تحلیل و تبیین خواهیم کرد. در پایان مقاله، یک جمع‌بندی از مباحث طرح شده در این نوشتار ارائه خواهیم داد.

## کلیدواژه‌ها:

مفاهیم نماد، مفاهیم اسطوره، شیوه‌ی زندگی مردم، اشیای خانگی این دوران



## مقدمه (طرح مسئله و اهمیت موضوع)

حفظ ارزش‌های فرهنگی امر مهمی در توسعه‌ی فرهنگی کشور است و یکی از طرق هویت‌بخشی به اشیاء، استفاده از المان‌های سنتی در آن‌ها می‌باشد زیرا با توجه به ورود نه چندان دور ایران در بازارهای آزاد تجاری و این مطلب مهم که به دلیل رقابت‌های شدید، سطح تکنولوژی اشیاء بسیار نزدیک به هم خواهد بود، پس عامل دوام و موفقیت در این بازارها ایجاد ارزش‌های افزوده در اشیاء است که همانا توجه به المان‌های سنتی و فرهنگ بومی، موردی است که اکثر کشورها برای زنده نگه داشتن محصولاتشان به آن رو آورده‌اند. در واقع استفاده از فرهنگ در طراحی، نوعی هویت‌بخشی به شیء است که به نظر می‌رسد دوام و مقبولیت خاصی نزد مصرف‌کنندگان داشته است.

با توجه به اهمیت نقش اسطوره‌ها و نمادهای ایرانی در زندگی و هنر ایرانیان قدیم که باعث جامعه‌ای اسطوره‌باور شده بود و هنر و زندگی از یکدیگر جدا نمی‌نمود و جلوه‌گر بودن باورهای مردم در اشیای مورد استفاده‌شان، در این مقاله سعی بر آن است تا چگونگی ادغام باورهای اسطوره‌ای، فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی طراحی اشیای مورد استفاده، ارائه گردد. جهت نیل به این مقصود، بررسی باورها و هنجارهای فرهنگی جامعه‌ی هدف در دوران فوق و نیز تدوین و جمع این داده‌ها در مقایسه با طراحی‌های انجام شده در این دوران حائز اهمیت می‌باشد که از این طریق علاوه بر تجدید نظری دیگر بر باورهای فرهنگی کهن ایران زمین، راهکاری جهت ادامه‌ی سیر معنایی آن نمادهای فرهنگی در جامعه‌ی به‌دورافتاده از فرهنگ گذشته‌ی امروزی به دست می‌آید.

## معنای فرهنگ

واژه‌ی فرهنگ از دو جزء ساخته شده است:

۱. «فر» یک واژه است به معنی نیروی معنوی، شکوه، بزرگی، درخشندگی و یا یک پیشوند است که معنی جلو، بالا، پیش و بیرون را می‌دهد (که در ترکیب «فرهنگ» پیشوند است).

۲. «هنگ» از ریشه‌ی اوستایی «سنگ=hanga» است، به معنی کشیدن و نیز معادل سنگینی، وزن، گروه و وقار آمده است. روی هم رفته واژه‌ی «فرهنگ» بالا کشیدن و بیرون کشیدن است. به برداشتی دیگر «فرهنگ» یعنی از ژرفای وجود افراد ملتی یا از درون یک جامعه، دانستنی‌ها و داشته‌ها و نیروهای نهفته و تراویده‌های مستقل ذهنی و استعدادهای درونی و ویژه‌ی فردی را بیرون کشیدن

و آشکار ساختن و در نتیجه، افزودن و پربار کردن پدیده‌ها و خلاقیت‌های شناخته و ناشناخته‌ی آدمیست (جنیدی، ۵۶).

به مانند این است که هر کشوری و سرزمینی دارای منابع شناخته شده و آشکار است و همچنین منابعی ناشناخته و پنهان که در دل زمین قرار گرفته است که این منابع از نظر کمی و کیفی با هم متفاوتند و به عوامل گوناگون و طبیعی کشورها بستگی دارند که با شناخت آن‌ها و بیرون کشیدنشان از دل زمین به سرمایه‌ی کشور می‌افزایند و پیشرفت کشور را با برخورداری از آن منابع در سرازیری انداخته و به آن سرعت می‌بخشند. «فرهنگ» مانند دستگاهی است که گمانه می‌زند و چون سرچشمه را یافت آن را از دل خاک بیرون می‌کشد. پس، «فرهنگ» یعنی بیرون کشیدن دانش، معرفت، استعدادهای نهفته، پدیده‌ها و تراوش‌های نو و نوپدید انسانی از نهاد و درون انسان و جلوه‌گر ساختن آن‌ها در جهان انسانی.

تاریخ، آیین‌های گذشته و درس حال است و هیچ چیز مثل گذشته‌های یک ملت، افراد را با هم امتزاج نمی‌دهد. اگر ملتی دارای گذشته‌های مختلف شد حتماً به ملل کوچک‌تر تقسیم می‌شود. وحدت تاریخی برای هر ملت یکی از محکم‌ترین و مطمئن‌ترین وثیقه‌های وحدت ملی است و باید آن را حفظ کرد و پیوسته به خاطر آورد نه فقط با کتاب بلکه با نمایش آن (پیرنیا، ۱۸۹). در این مقاله سعی بر آن است تا نشان داده شود که گرچه در دوران اولیه‌ی اسلامی در ایران شاهد حکومت‌های متقارن با نام‌های متفاوتی هستیم اما این مهم است که آن‌ها همگی با نام ایران برخاسته‌اند و شیوه‌ی زندگی یکسانی داشته‌اند. به هر حال «برای هر ملتی لازم است تا گذشته‌های خود را به خاطر آورد زیرا گذشته‌ها روح ملیت آن را تقویت و وطن پرستی را در اعماق قلوب مردم تحریک می‌کند. ما با داشتن گذشته‌های درخشان نباید از سایرین از این حیث اینقدر عقب بمانیم» (پیرنیا، ۱۸۸). «هر یک از ما در قالب فرهنگ خاصی که مجموعه‌ای از باورها و رفتارهاست به دنیا آمده‌ایم و رشد کرده‌ایم. این شبکه هنجارها و قواعد خود محصول دوره‌ی ممتدی از تغییرات تاریخی است که سنت نامیده می‌شود. فرهنگ و سنت شرایط گریزناپذیری را برای افراد تحمیل می‌کنند» (هورنر، ۲۰). شیوه‌ی زندگی امروزی ما حاصل سال‌ها زندگی نیاکان ماست که فرهنگی را حاصل آورده که در زندگی فعلی نیز گریزی از آن نیست.

## اوضاع اجتماعی فرهنگی این دوران

یکی از راه‌های رسیدن به وحدت تاریخی معناکاو و بررسی نقش

و نمادهای ایرانی در کنکاش از هنرهای سنتی است. حکومت‌هایی که در بازه‌ی این تحقیق گنجانده می‌شوند عبارتند از: طاهریان و علویان طبرستان، آل‌زیار، آل‌بویه، صفاریان و سامانیان.

طاهریان (۲۰۶-۲۵۹): این قوم بیش از پنجاه سال حکومت خراسان را داشتند و در بغداد نیز با نفوذ بسیار چندی در مقام شُرطه بودند. معروف‌ترین امیر طاهریان، پس از طاهر ذوالیمینین، عبدالله بن طاهر است که مردی دانا و دادگر بود. این امیر دانشمند در آبادانی نیشابور بسیار کوشید. به کشاورزی توجهی خاص داشت و از همین رو به فرمان او کتابی درباره‌ی راه نگه‌داری از قنات‌ها نوشته شد. دربار او محل رفت و آمد دانشمندان و شاعران و نویسندگان پارسی زبان بود.

علویان (۳۱۶-۳۲۵): می‌توان عملکرد مناسب علویان و تقید به امور دینی و مذهبی را مؤثرترین عامل در خوش‌نامی و گرایش مردم به ایشان دانست. علاوه بر موارد فوق، استقبال و پشتیبانی مردم منطقه از علویان، مهم‌ترین عامل اقتدار و تداوم حکومت رهبران علوی بود. خصوصیات منحصر به فرد منطقه‌ی طبرستان را می‌توان از عوامل قدرت علویان و شکست دشمنان ایشان و عدم تداوم اشغالگری نیروهای متجاوز دانست. طبق نقل منابع تاریخی، آزار و تعقیب علویان و شیعیان از طرف خلفای اموی و عباسی باعث می‌شد تا این افراد با فرار از مناطق تحت کنترل خلفا به مکان‌های دوردست و امن پناه ببرند. از جمله کارهای فرهنگی علویان تمایلات داعی‌کبیر به مراسم ایرانی بود که در پی درخواست مردم طبرستان به منظور احیای آیین کهن نیاکان خود و برگزاری مراسم جشن مهرگان، با برگزاری این جشن موافقت می‌کرد.

به طور کلی روند اسلام‌گرایی که با تشکیل حکومت طاهریان به کندی صورت می‌گرفت به وسیله‌ی مهاجرت تدریجی علویان شدت گرفته و باعث اعتماد مردم به آن‌ها شد و چون علویان مخالف عباسیان بودند و مردم از ظلم حاکمان عباسی به ستوه آمده بودند با علویان متحد شده و تحت تأثیر افکار دینی آن‌ها قرار گرفتند و داعیان علوی بر ترویج مذهب تشیع پافشاری داشتند. بنابراین هم به توسعه‌ی مذهب تشیع پرداختند و هم به اجرای عدالت در بین مردم منطقه و ناصر کبیر مساجد و مدارس زیادی از جمله در مدرسه‌ای در آمل ساخت و کتابخانه‌ای نیز احداث کرد. وی در جهت بهبود وضع محرومان تلاش می‌کرد.

آل زیار (۳۱۶-۴۳۳): شمس‌المعالی قابوس مشهورترین افراد خاندان زیاری است که مردی فاضل و کریم و فضل‌دوست و

شاعر پرور و خوش بود. در نوروز و مهرگان به هر یک از شاعران مقداری وظیفه می‌داد و دانشمند جلیل ابوریحان بیرونی کتاب مشهور الآثار الباقیه را در سال ۳۹۰ به نام قابوس تألیف کرد. حکیم و پزشک بزرگوار ابوعلی سینا برای درک خدمت وی از خوارزم عازم گرگان شد اما با شنیدن خبر قتل قابوس به ناچار به قزوین و همدان به پناه آل‌بویه رفت. شاعر نامی منوچهری دامغانی نیز در عهد فلک‌المعالی فرزند قابوس بود و به نام او تخلص امیر زیاری می‌کرد (اقبال آشتیانی، ۳۳۸). کتاب قابوس‌نامه در این عصر نگاشته شده است.

آل بویه (۳۲۰-۴۴۷): از ویژگی‌های بارز حکومت سلسله‌ی آل‌بویه، استقلال خواهی، احیای هویت فرهنگی ایرانی و گرایش وافر آنان به مذهب تشیع بود که همه‌ی این خصوصیات به نوعی به وضع جغرافیایی و انسانی خاص سرزمین تاریخی «دیلم»، خاستگاه و زادگاه آل‌بویه در سرزمین پهناور ایران زمین مرتبط می‌باشد. عمادالدوله، ارشد پسران بویه بود و نسبت به دو برادر دیگر همیشه با احترام و ادب رفتار می‌کرد و وفاق و اتحاد خاصی بین سه برادر حاکم بود (اقبال آشتیانی، ۳۴۱). عضدالدوله بناهای بسیاری در بغداد و شیراز انجام داد اما پنج پسر وی در پی کسب قدرت باعث از هم پاشیدگی این حکومت به ۳ شاخه شدند. با این حال مویدالدوله مانند هم‌عصر خویش شمس‌المعالی قابوس اهل علم و ادب بود و کتابخانه‌ای داشت که دانشمندان را از ری و اصفهان به دور وی جمع کرده بود. بوعلی سینا پس از بازگشت از خوارزم مدتی وزارت شمس‌الدوله را در همدان داشت (اقبال آشتیانی، ۳۵۴-۳۶۵).

صفاریان (۲۴۷-۳۹۳): یعقوب‌لیث صفاری را مردی باخرد و استوار و با انصاف توصیف کرده‌اند. حسن‌بن‌زید علوی که یکی از دشمنانش بود او را به خاطر استقامت و پایداریش لقب داده بود. به امر خلیفه به نام او در مکه و مدینه خطبه می‌خواندند و او را ملک‌الدنیا و صاحبقران نام نهاده بودند و کنیه‌اش ابویوسف بود (اقبال آشتیانی، ۳۷۸) نیز مانند برادر، بلندهمت و باعطا و بیدار دل بود همچنین آخرین امیر این سلسله (نوه دختری عمرو بن لیث) مردی دین‌دار و ادب‌پرور و شعر دوست بود (اقبال آشتیانی، ۳۹۰).

سامانیان (۲۷۹-۳۸۹): این قوم ایجادگر دومین نوایرانگرایی تاریخ تمدن ایران بودند و در شکل‌گیری فرهنگ، تمدن و دانش در ایران پس از اسلام نقش بسزایی دارند. در دوره‌ی سامانیان، زبان فارسی از پیشرفت و شکوفایی زیادی برخوردار شد. با آن‌که سامانیان در کارهای اداری زبان عربی را به کار می‌بردند و آن را شعار وحدت

خلافت می‌شمردند، با وزارت افرادی چون جیهانی و بلعمی در عهد اسماعیل، احمد و امیر نصر، امکان آن را فراهم آوردند تا شاعران همچون و از نخستین کسانی باشند که با گونه‌ای از زبان ملی خود که از تکمیل و آمیختن لهجه‌های محلی گوناگون فراهم آمده بود مطلب بنویسند (اقبال آشتیانی، ۳۹۷). این زبان در دربار سامانیان پذیرفته شد و سرانجام به عنوان زبان نوین گسترش پیدا کرد که با اندکی تغییرات آوایی تا زمان حاضر بر جای مانده است. فارسی نوین به خط عربی نوشته شد و رفته رفته واژه‌های عربی بیشتری به آن راه یافت که این امر تا اندازه‌ای نتیجه‌ی پیشرفت جهانی تمدن اسلام بوده است. امیر نصر مذهب اسماعیلی داشت و ممدوح شهید بلخی است که به امیر سعید نیز مشهور است. امیر نوح آخرین پادشاه مهم سامانی نیز مردی نیکو صفت و پسندیده اخلاق بود که به امیر حمید معروف بوده است (اقبال آشتیانی، ۴۰۲).

## تعریف‌های نماد و اسطوره

نماد چیست؟ انسان را حیوان نمادپرداز نامیده‌اند. در یک تعریف کلی، نماد عبارت است از چیزی مرتبط با چیزی دیگر که به آن معنا می‌بخشد یا نماینده‌ی آن است. روابط نمادین ممکن است کاملاً قراردادی باشند؛ مثل وقتی که یک کمیت نامعین در ریاضیات به وسیله‌ی حرف X نمایش داده می‌شود. یا ممکن است آن‌ها چنان در عرف جا افتاده به نظر بیایند که نمایانگر هویت باشند مانند پرچم‌ها یا نشانه‌ها. از همین رو است که اندیشه‌ی وحدت با شماره‌ی ۱ و دوگانگی با شماره‌ی ۲ نمایش داده می‌شود و این نمادها، هدف دانش ریاضیات را برآورده می‌کنند؛ درست مثل این که آن‌ها کمیتی واقعی هستند نه نمادهای نمایشگر کمیت‌ها. در علوم، دستگاه‌های نمادی تا آن حد توسعه یافته‌اند که امروزه دیگر دقیق‌تر از زبان شده‌اند.

به نظر می‌رسد که نوع بشر در مراحل از تکامل تدریجی خود از طریق ساختن یک رشته مفهوم (تصورات)، وجود خویش را از جهان هستی، تمایز و تشخیص بخشید که این فرایند، محیط پیرامون وی را تا حدی قابل درک کرد. این تصورات که به طور طبیعی مبتنی بر الگوهای رفتاری بشری بودند، به نظم بخشیدن به جهان پیرامون بر حسب نمادها یاری می‌رساندند؛ نمادهایی که به عنوان واقعیت عمل می‌کردند تا این که به وسیله‌ی نمادهایی با معناتر جایگزین شوند و به دنیای خیال‌انگیز اسطوره‌ها وارد شوند.

اسطوره چیست؟ درباره‌ی اساطیر، خواستگاه و اعتبار تاریخی آن‌ها، نظرات متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقدند اسطوره، زاینده‌ی

تخیل و قصه‌پردازی است. بنابراین در تحلیل‌های تاریخی نمی‌توان دست به دامن اساطیر شد. اما گروهی بر این باورند که اساطیر، ریشه در واقعیت‌های تاریخی دارند که البته طی فرآیندی تبدیل به اسطوره شده، رنگ و شکل‌های متفاوتی گرفته‌اند.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده: «اساطیر با جمع اسطار به معنای افسانه‌پردازی و روایت‌های بی‌پایه است». اسطوره در فرهنگ لغت عمید چنین معنا شده: «افسانه، قصه، حکایت، سخن‌پریشان و بیهوده». این در حالی است که در اسطوره، دنیای عینی و ذهنی به هم می‌آمیزند و زمان واقع عینیت خود را از دست می‌دهد و به زمان ذهنی تبدیل می‌شود.

اسطوره‌ها از دیدگاه‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی چون ادبیات، زبان‌شناسی، روانشناسی، روان‌پزشکی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در نتیجه هیچ ملتی را نمی‌توان شناخت و به ژرفای اندیشه آن دست یافت مگر اینکه ریشه‌ی باورهای آن را دریافت. اسطوره‌های نوشته و نانوشته‌ی ایران را باید از لابه‌لای برگ‌های تاریخ، دریافت‌های باستان‌شناسی و از کنش‌های آیینی این ملت بیرون کشید. به طور کلی مفهوم پوشیده و رموزی که از پژوهش در فراسوی مشهودات پدیدار می‌گردد، مطلوب ایرانیان بوده و هست. پوپ می‌گوید: «توجه ایرانیان به مفاهیم، نمادی بود تا ایجاد کمال صوری مجرد».

معنای اسطوره در دیدگاه اسطوره باوران، رمزی است. یعنی معنایی که پایان نمی‌گیرد و محتمل تعبیرها و تفسیرهای مختلف و تمامی‌ناپذیر است. چون موج‌های معنی پشت تا پشت از آن می‌جوشد (ستاری، ۷۱). افلاطون در اسطوره شکل قائم به ذاتی از شناخت را می‌دید که مسلماً به جهان بودن تعلق نداشت بلکه به جهان شدن یعنی جهان امور ناپایدار و گذرا متعلق بود (کاسیرر، ۵). نه تنها تاریخ یک قوم را اساطیرش معین می‌کنند بلکه اسطوره‌ها سرنوشت یک قوم را رقم می‌زنند و از همان آغاز مقصدش را معین می‌نمایند (کاسیرر، ۴۷).

بدین ترتیب؛ گرچه در اسطوره، زبان و هنر در تجلیات تاریخی واقعی‌شان با هم درآمیخته‌اند اما ارتباطشان درجه‌بندی سیستماتیک مشخصی را نشان می‌دهد که پیشرفت ایده‌آلی است به سوی نقطه‌ای که در آنجا روح نه فقط قائم به خود است بلکه همچنین می‌داند که سمبل‌ها سمبلند. هیچ یک از این فرم‌ها از همان آغاز دارای وجودی مستقل با خطوط کاملاً مشخص و تعریف شده نبوده است بلکه هر



تصویر ۱ ظروف شیشه‌ای

گردند. در این مقاله به جامعه، نمادها و مفاهیم آن‌ها و اشیاء پرداخته می‌شود.

### اشیای خانگی این دوران

تمدن به هم‌هی تغییرات کمی و کیفی‌ای اطلاق می‌شود که در زندگی بشری حاصل شده و در عرصه‌ی حیات مشترک انسان‌هایی که با هم در ارتباطاند مجال ظهور و بروز و ماندگاری و تحول یافته است. تمدن به نسبت فرهنگ که جزء خالص موجودیت گروه اجتماعی معینی را تشکیل می‌دهد، بر همه‌ی آثار و نشانه‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی راه یافته در زندگی تاریخی مردمی خاص و زمان و مکانی بالاخص اشمال می‌یابد (شعبانی، ۲۰۱).

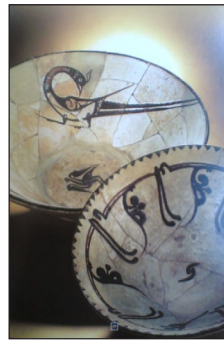
در میان آثار این دوران، سفال‌های نیشابور شهرت خاصی دارند که معروفترین آن‌ها دارای نقش‌های قهوه‌ای تیره روی زمینه‌ی سفید یا شیرینی همراه با لعاب گلی و تزیینات با نوشته‌های کوفی است (احمد پناه، ۷). «آزادمنشی، طلب روزی از خداوند، تقسم روزی، صبر و شکیبایی، شکر و سپاس خداوند، تنگستی و توانگری، حرص و قناعت، برکت، شادی، بخشش و گشاده دستی، نیاز و احتیاج، تعلق و تفکر و اندیشه از جمله مفاهیمی است که در نوشته‌های تزیینی ظروف مشاهده می‌گردد» (احمد پناه، ۱۴).

- چگونگی زندگی و کیفیت غذا خوردن؛ درباره‌ی زندگی عوام اطلاعات کم است. با این حال در کتاب حکایه‌ی ابی‌القاسم آمده است که فرش عموم مردم اصفهان گلیم و زیلوی بافت رویدشت و

یک از آن‌ها درهاله‌ای اسطوره‌ای قرار داشته و در آن‌هاله مستتر بوده‌اند (کاسیر، ۳۳). شلینگ به تصاویر اسطوره‌ای به منزله‌ی تصاویر خود به سامان روح انسانی می‌نگردد که باید آن‌ها را از درونشان شناخت یعنی از طریقی که معنا پیدا می‌کنند و شکل می‌گیرند (کاسیر، ۴۵).

مهم‌ترین کارکرد اسطوره در اندیشه‌ی الیاده کشف شده و آفتابی کردن نمونه‌وار همه‌ی آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی است (اسماعیل پور، ۱۶). اسطوره نمودگار گونه‌ای از هستی و زندگانی است. زمان تاریخی و نامقدس را طرح می‌کند و به بازگشت ادواری زمان ازلی قایل است. اسطوره مقوله‌ی امید بخشی است چون معلوم می‌دارد و حتی ثابت می‌کند که انسان در فضایی آشفته و نابسامان و در زمان بی‌کران، سرگشته و حیران نیست، بلکه رسالت و تکلیف آرمانی دارد» (ستاری، ۷۰).

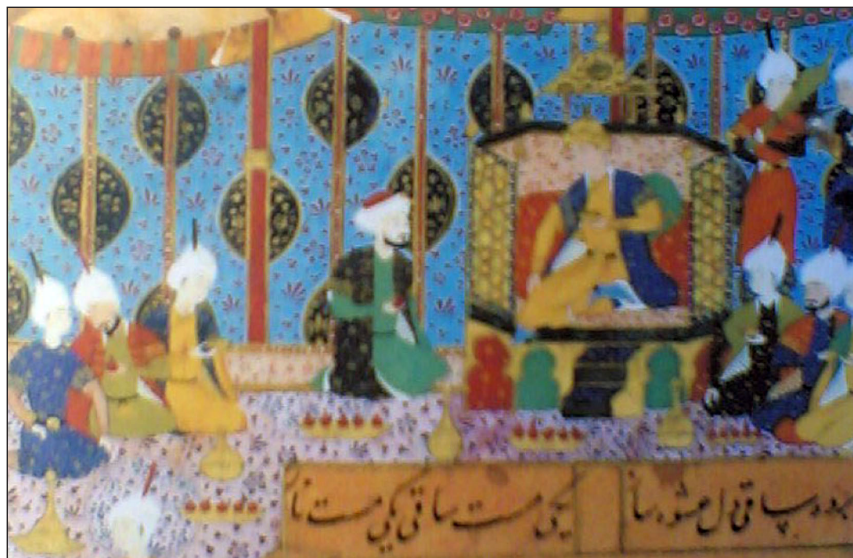
بیانات بالا گفته‌هایی از اسطوره نماد شناسان است که نشان می‌دهد نمادپردازی و از طرفی معناکاوی آن نقش مهمی در بررسی و مطالعات هنری دارد. بررسی نمادها و اساطیر مرتبط با آن‌ها در هنر و فرهنگ ایران در اوایل دوران اسلامی هدف این تحقیق می‌باشد. با توجه به اینکه جهت بررسی مبانی فرهنگی، باید چهار عنصر تحلیل فرهنگی شامل هنرمندان (افراد شاخص این دوران)، جامعه و نظام ارزش‌ها- نمادها و مفاهیم رسانه (در این مقاله، اشیایی که این نمادها را انتقال می‌دهند) (آسابرگر، ۱۷۳) بررسی



تصویر ۲) کاسه‌های سفالی موجود در موزه‌ی ایران باستان

نمد کردی بوده و در اطراف اتاق مخده می‌گذاشتند (فقیهی، ۶۴۲).  
ابن حوقل در خصوص مهمان‌نوازی آل‌بویه و اطرافیان‌شان مطالب بسیار نوشته است (فقیهی، ۶۸۴). با این حال غذا خوردن به دو گونه بوده است یا بر خوان و یا به دور سفره. خوان بر دو قسم بزرگ و کوچک (خوانچه) از تخته، مس و گاهی نقره بوده است. از آنجا که مدور است برخی شعرا آن را به ماه شب چهاردهم مانند کرده‌اند. نوع دیگر خوان پایه‌دار بوده که گویا اختصاص به بزرگان داشته است (فقیهی، ۶۸۶). در میهمانی‌های عمومی سفره‌های بزرگ کرباسی گازر شست پهن می‌کردند. در ضمن گلاب سرو روی میهمانان می‌ریختند و عود می‌سوزانیدند و برای زینت سفره، انواع سبزی و میوه و شیرینی اطراف آن می‌گذاشتند (فقیهی، ۶۸۶). پس از صرف غذا خلال تراشیده و اشنان سفید آمیخته با مواد معطر به میهمانان می‌دادند آنگاه طشت و آفتابه آورده تا میهمانان دستشان را بشویند و بعد با دستمال مخمل خشک نمایند. البته عوام مردم برای دست شستن به کنار حوض می‌رفتند. از مس، آهن و برنز

در اثاث منزل از جمله دیگ‌ها و ظروفی چون چاقو و قیچی استفاده می‌شد و سمرقند و بخارا به آن معروف بودند (ناجی، ۵۴).  
- خوراکی‌ها: بازاری‌ها غذای عمده‌ی خود را در شب صرف می‌کردند با این حال مردم بیش از یک وعده غذای اصلی نمی‌خوردند که معمولاً بعد از نماز ظهر بود (فقیهی، ۶۸۹). در کتاب آل‌بویه به ۵۲ نوع خوراکی مشتمل بر نان و گوشت و حدود ۱۱ مورد آش و انواع شیرینی و حلوا اشاره شده است. میوه نیز به فراوانی استفاده می‌شد مخصوصاً در نگارگری‌ها انواع صراحی‌ها و بشقاب‌هایی که انار در آن‌هاست دیده می‌شود.  
پیاله‌ها و جام‌های ظریف و زیبا در نگارگری ایرانی جزئی از زیورآلات الحاقی زیبارویان است (خلج امیر حسینی، ۱۰۱).  
از دیگر لوازم خانگی می‌توان به انواع لوازم روشنایی اشاره کرد. در میهمانی‌های شبانه انواع چراغ می‌افروختند. چراغ‌ها پایه داشت تا مجلس را بهتر روشن کند. هر چراغ بر فقیله و روغن‌دان مشتمل بود. این چراغ‌ها بیشتر از سفال تهیه می‌شد و نوعی دیگر هم بود که



تصویر ۳) انارها در بشقاب‌ها قابل ملاحظه‌اند.

به آن پیه‌سوز می‌گفتند و از مس بود. در مساجد و مجالس بزرگ از قندیل استفاده می‌کردند که از سقف آویزان می‌شد (فقیهی، ۱۳۸۸). از شمع نیز بسیار استفاده می‌شد و شمع‌دان‌ها نیز جزء لوازم مورد استفاده بوده‌اند.

### ■ نمادهای استفاده‌شده در اشیای این دوران

ایرانیان باستان، جهان را همچون بشقابی تصور می‌کردند که همچون صخره‌ای از الماس در شکل اصلی خود بوده ولی با ورود شر (اهریمن)<sup>۱</sup> آرامش آن درهم شکسته شد. اهریمن آسمان را شکافته و وارد آن شده و سپس به آب فرو رفت و به میان زمین تاخت و آن را به لرزه در آورد و بر اثر آن کوه‌ها از زمین بیرون شدند. البرز کوه هشتصد سال طول کشید تا از زمین به در آید... (هیلنز، ۲۳). این بخشی از بن‌مایه‌ی اسطوره‌ی ایران پیش از زرتشت است. در اینجا اختصاصاً به نمادهای مرتبط با نور و آب می‌پردازیم:

- نمادهای نور: به نظر می‌رسد نور و خورشید منشاء تصویرگری شکل دایره باشند. دایره نشان بی‌نهایت و ازلیت است. از سمبل‌های آتش شیر است که در ظروف این دوران نقش‌پردازی به وسیله‌ی شکل دایره و نیز پایه‌ی پیه‌سوزها که شیر می‌باشد نشان از نمادپردازی‌های سمبل‌های نور و آتش دارد. ادراک حجم و دید سه بعدی از بازی‌های نور حاصل می‌گردد. چه اگر جسمی با نور یکسان از جهات مختلف احاطه شود درک وجوه آن امکان‌پذیر نیست. بلکه ما با مشاهده‌ی سایه‌روشن‌های ایجاد شده حجم را درک می‌کنیم.

استفاده از رنگ‌های طلایی و نیز اهمیت دادن به طلا نیز از دید معنوی حائز اهمیت است زیرا پیشینیان مخصوصاً کیمیاگران طلارا نور متجسم و یا نور جامد می‌پنداشتند. در داستان حضرت ابراهیم نیز نقش تطهیرکنندگی نور مشاهده می‌کنیم و همچنین در شاهنامه برای آزمایش سیاوش او باید از آتش می‌گذشت که اشاره به این اعتقاد پیشینیان دارد که فرد پاک در آتش نمی‌سوزد.

آتش در ابتدا برای انسان‌ها کارکردهای رمزی داشته است و همه‌ی باورهای مقدس به این اعتقاد داشتند که آتش عنصری اساسی است و نوعی وضع و حالتی است که نمی‌تواند واقعیت انضمامی داشته باشد زیرا آتش صمیمی هم در قلب و بر زمین و کائنات زنده است و هم در بهشت و هم در دوزخ قرار دارد.

تمثیل خورشید در رمزپردازی‌های آیینی بیشتر برای فرآیند مردن و حیات دوباره به کار رفته و حتی رمز سیمرغ است و



تصویر ۴) قندیل شیشه‌ای



تصویر ۵) پایه پیه‌سوز، موزه‌ی ایران باستان، عکاسی شخصی



تصاویر ۶) ظرف فلزی، موزهی متروپولیتن

النهرین، اقیانوس نخستین، زایندهی آسمان و زمین بود (وانت، ۲۰۵). آب همچنین به عنوان منبع حاصلخیزی است و مانند مار نشانهی تجدید حیات و دگردیسی هم به شمار می‌رود (کوپر، ۳۳۳). آب نماد عقل و خرد هم هست. در واقع آب، مایع شدهی نور است. ما غالباً از نور معرفت مثال می‌زنیم. در این صورت است که آب ویژگی حکمت نور را به ارث می‌برد. برای همین کسانی که به نور معرفت یا حکمت دست یافته‌اند به نحوی تصور می‌شود که از روی آب رد می‌شوند (گوبران، ۶). آب سمبل تطهیر است. در بیشتر ادیان طهارت با آب انجام می‌شود. از آنجا که طهارت بازگشت به پاکی است، آب نماد نوزایی هم به شمار می‌رود. شاید این نشانه نیز قابل توجه باشد که پشت سر مسافر نیز آب پاشیدن از نوعی جلب عنایت حکایت می‌کند تا که راه روشن باشد و مسافر سلامت به مقصد رسد و به روشنی و سلامت نیز باز گردد.

خورشید به عنوان خدای نور و روشنایی سرچشمه‌ی آن است. در جشن‌های سده، چله، چهارشنبه سوری و مهرگان تماماً از نماد آتش استفاده می‌شود که در دوران اسلامی نیز ایرانیان این جشن‌ها را در بسیاری شهرها انجام می‌داده‌اند.

– مفاهیم نمادین مربوط به آب: آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شده و بنابراین یک نماد باستانی برای زهدان و باروری به شمار می‌رود. در بسیاری از اساطیر آفرینش در هندوستان، خاورمیانه و مصر، اسطوره‌هایی وجود دارند که وجود یک اقیانوس کیهانی را پیش از پیدایش جهان مطرح می‌کنند (ناصری، ۲۳).

آب منشأ همه‌ی مخلوقات است. نماد مادر کبیر، به صورت باران. یعنی نیروی لقاح ایزد آسمانی و مفهوم باروری را می‌رساند. در باورهای ایران باستان، زمین از آب پدید آمده بود و در بین



(تصویر ۷)



تصویر ۸) تصویر خروس در ظروف قدیمی



(تصاویر ۹)

می‌رفت. پس نماد روشنگری‌ها، آفرینش، باروری، زندگی دوباره و بی‌مرگی است. نیلوفر، نماد کمال و رسایی است. زیرا برگ‌ها، گل‌ها و میوه‌اش دایره‌ای شکل‌اند و دایره خود از این جهت که کامل‌ترین شکل است، نماد کمال به شمار می‌آید. نیلوفر یعنی شکفتن معنوی. زیرا ریشه‌هایش در لجن است و با این حال به سمت بالا و آسمان می‌روید، از آب‌های تیره خارج می‌شود و گل‌هایش زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می‌کنند.

نمادهای حیوانی: حیواناتی نقش‌پردازی شده شامل شیر، گربه، اسب (البته به صورتی که فردی بر آن نشسته باشد)، بز و ماهی که ارتباط تنگاتنگی با نمادهای نور و آب دارند. به نظر می‌رسد در نقش‌پردازی حیوانی، بیشتر پرندگان مد نظر بوده‌اند تا دیگر حیوانات.

معانی نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی خلاصه کرد: چشمه‌ی حیات، وسیله‌ی تزکیه و مرکز زندگی دوباره. این سه مضمون در قدیمی‌ترین سنت‌ها و آیین‌ها با یکدیگر تلاقی می‌کند و ترکیبات تخیلی گوناگون و در عین حال هماهنگی را شکل می‌دهند. - نمادهای گیاهی؛ از گیاهان در نقش‌پردازی بسیار استفاده شده است یا به صورت تزئین و حاشیه‌بندی و یا به صورت مستقل. حتی در نقوش نوشتاری نیز سعی می‌شد با شکل‌های نرم گیاهان تزئین یابد اما از جمله گیاهانی که بسیار مورد توجه بوده است می‌توان به نیلوفر اشاره کرد:

نیلوفر: از آنجا که گل نیلوفر در سپیده‌دم باز و در هنگام غروب بسته می‌شود، به خورشید شباهت دارد. خورشید خود منبع الهی زندگی است و از این رو گل نیلوفر نماد زندگی دوباره به شمار

– نماد پرندگان: از پرندگان نقش‌پردازی شده می‌توان از مرغابی، اردک، بوقلمون، کبوتر و شاهین نام برد که برخی به خاطر ارتباط با آب، برخی قابلیت پروازشان و برخی رنگارنگیشان مورد توجه بوده است. به طور کلی انواع پرندگان بیشترین نقش‌پردازی را نسبت به دیگر جانوران دارا می‌باشند. به عنوان مثال خروس:

– خروس: خروس در فرهنگ ایران کهن پرندۀ ارجمند و گرامی بود و از چنان جایگاهی برخوردار بود که یونانیان باستان آن را با نام «پرندۀ ایران» می‌شناختند. «خروس در اوستا همکار و پیک سروش است. نام این پرندۀ زیبا در اوستا «پرودرش» است که به معنی پیش بیناست؛ چون باور داشتند که خروس نخستین پرتوهای خورشید را در بامداد می‌بیند و با خروش بامدادی خود برای مردمان، بیدارباش سر می‌دهد و برای همین خروش معروف است که در زبان فارسی با صفت خروس شناخته می‌شود» (جنیدی، ۸۶).

درباره‌ی نیکویی خروس سفید و آن را پروریدن و در خانه نگاه‌داشتن و جایز نبودن استفاده از گوشت آن، داستانی است منصوب به سیامک که طبری و بلعمی در تاریخ خود آورده‌اند. در تاریخ بلعمی و در حدیث پادشاهی کیومرث، به خروس سفید و غلبه‌ی او بر مار، ضمن آوردن داستانی اشاره شده است و نیز می‌نویسد: «عجم خروس را و بانگ او را به وقت نیکو خجسته دارند، خاصه سفید و گویند در خانه‌ای که او باشد دیو در نیاید».

– شکل‌های انسانی؛ صورت‌نگاری از شکارچیان در پشت اسب، حاکمانی در جلوس و رقصندگان در میان حیوانات و پرندگان از جمله نقوش خاص سفال‌های نیشابور است که می‌توان قرینه‌های ظاهری خاصی با آثار فلزی و سفالین ساسانی برای آن‌ها یافت. از جمله نقوش انسانی می‌توان به نقش آن‌ها اشاره کرد که به مانند نقش‌پردازی‌های آن در ایران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

## نتیجه‌گیری: تأثیر اسطوره‌ها و نمادها بر اشیای دوران اولیه ایران اسلامی

ایران در آتیه، کارهای مهمی در جامعه‌ی بشر به عهده خواهد داشت چنانکه در گذشته داشته است و باید خود را حاضر کند. یکی از چیزهای عمده این است که ملیت و قومیت خود را حفظ کند و چیزهایی را که در مدت سال‌های تاریخی و حتی قبل از آن برای او حفظ شده به بی‌اعتنایی از دست ندهد. برای این کار لوازمی هست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها علم به تاریخ خود و اکتشاف و حفظ و حراست آثار ملی است (پیرنیا، ۱۸۸).

فرهنگ را به مفهوم مجموعه بافت‌های آموخته رفتاری عقیدتی و ارزشی انسانی که عضو یک گروه اجتماعی است تعریف کرده‌اند. فرهنگ جزء اصیل تمدن است که بر مبنای ساخت و کارهای موجود در درون و بیرون جامعه شکل می‌گیرد، در تداوم ایام صیقل می‌پذیرد و تکامل می‌یابد (شعبانی، ۲۰۳). به طور کلی از برخی عوامل تأثیرگذار فرهنگی مجموع حکومت‌های متقارن این دوران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رسمی شدن زبان فارسی در دستگاه آل‌بویه و سامانیان
- اهمیت به مناسک کهن ایرانی
- اهمیت به اعیاد مذهبی اسلامی
- دین‌دار و ادب‌پرور بودن برخی از پادشاهان
- ظهور شاعران نامی مانند رودکی، دامغانی، سعد سلمان، شهید بلخی

– ظهور دانشمندانی چون بوعلی سینا، عمر خیام، بیرونی

– متمرکز بودن منطقه‌ی جغرافیایی حکمرانی بیشتر در شمال، مرکز و شرق

این چند عامل باعث شده است که مخصوصاً در این دوران شاهد تداوم هنر و نمادهای ایران کهن در محصولات و اشیای مورد استفاده به جهت تقدس و هویت‌بخشی آن‌ها باشیم. برخی از آثار این دوران از جمله سفال‌های سامانیان که بیشتر از نیشابور به دست آمده‌اند اصالت‌های خاصی در تزیین دارند. «خط عربی، تأثیر از سفالینه‌های دو رنگ چینی، تأثیر قوی منسوجات در نقش‌های خال خالی و تصویرهای مدور پرندگان آهو و گل‌بوته، نمادهای مذاهب مختلف، صورت‌نگاری از شکارچیان در پشت اسب، حاکمانی در جلوس و رقصندگان در میان حیوانات و پرندگان از جمله نقوش خاص سفال‌های نیشابور است» (ناجی، ۶۵). رابطه‌ی معنوی کلمات و جملات که شامل احادیث و روایات در خصوص رزق و روزی و انفاق می‌شود از جمله ویژگی‌های هنر این دوره است که به تزیینات صرف اکتفا نکرده و همسویی و معنادار بودن این هنر را در بر دارد (احمد پناه، ۵). ایرانیان بی‌گمان فرهنگ کهن خویش را نگاه داشتند اما اسلام را نیز پذیرفتند و برای ایشان پدیده‌ای شد بسیار بیشتر از یک دین شرعی (فرای، ۱۳) بلکه سرچشمه‌ای برای بازآفرینی‌های نوین در فرهنگ و هنر.

هانری کربن با تأکید بر امر ایرانی و تلقی ویژه آن، تداوم در قلمروی اندیشه را مورد بررسی قرار داده و می‌گوید که مفردات اندیشه‌ی فلسفی دوره‌ی باستانی ایران در دوره‌ی اسلامی تداوم

توجیه می‌باشد.

با توجه به نوع غذایی که در آن دوران استفاده می‌شده که آش‌ها قسمت عمده‌ی آن را شامل می‌شود، و فور کاسه‌ها و بشقاب‌های توگود قابل درک است. در این تحقیق شاهد آن بودیم که شیوه‌ی زندگی و آداب و رسوم ایرانیان از حدود ۱۳۰۰ سال پیش تا کنون تغییر چندانی نکرده است و این خود حاکی از استحکام فرهنگی و تداوم تمدن با شکوه ایرانی است. در نتیجه می‌توان از عناصر طراحی و نقوش استفاده شده در آن دوران با اندکی تغییر و مسلماً ارتقای آن‌ها در هنر این دوران نیز استفاده نمود که این خود راهی است جهت هویت‌سازی محصولات امروزی ایرانیان.

در بعضی ظروف و اشیای فلزی بر حسب سنت رایج از زمان کهن، تمام یا قسمتی از ظرف را به شکل سر جانور در می‌آوردند. این سبک یادگار سنت دوران کهن است که بر این باور بودند که نوشیدن در ظرفی که به شکل جانوران نیرومند ساخته شده و یا تصاویر آن‌ها بر بدن ظرف نقش بسته، سبب می‌شود که نیروی جانوران به انسان منتقل شود. به همین دلیل غالب تنگ‌ها و مشرب‌ها و جام‌های این دوران به تقلید از هنر ساسانی با سر جانوران یا پرندگان تزیین شده است.



(تصاویر ۱۱)



تصویر ۱۰ ( ظرف فلزی با پرند، موزه‌ی ایران باستان، عکاسی شخصی

پیدا کرده است (طباطبایی، ۷۵). فرای نیز معتقد است هنر اسلامی در ایران تا سده‌ی چهارم کاملاً به هنر درباری ساسانی تعدیل یافته است (فرای، ۱۹۵). در نتیجه و فور نقش‌مایه‌های ساسانی از جمله نمادهای نور و آب که در ظروف این دوران دیده می‌شود قابل



تصویر ۱۲

در بسیاری از موارد، نقوش گیاهی و حیوانی نه به صورت تک و مجزا بلکه به صورت حاشیه‌بندی در اطراف و دورادور ظروف مشاهده می‌شوند.

باتوجه به حیوانات نقش‌پردازی شده، به راحتی می‌توان با توجه به مفاهیم نمادین اصلی آب و نور؛ باروری، حاصلخیزی و فراوانی، نور و پاکی، حیوانات مذکور را در گروه‌های مشخصی قرار داد:

– نماد باروری: بز

– نماد حاصلخیزی و فراوانی: پلنگ. به لحاظ بافت پوستش که نمادی از پراکندگی نقاط در یکپارچگی زمینه است.

– نماد نور و پاکی: شیر. شیر یکی از نمادهای کهن برای نمایش نور و قدرت است، گریه‌ی وحشی.

– شکل‌های ماهی و اردک به نظر می‌رسد به قرینه‌ی ظاهری برای مفهوم آب به کار برده شده‌اند زیرا که ماهی همیشه و اردک اغلب در آب‌اند. با این حال در برخی مناطق مانند کردستان حتی امروزه نیز ماهی از نمادهای فراوانی است. احتمالاً به دلیل وجود دریاچه‌ی زریوار<sup>۳۰</sup>. از طرفی اردک علاوه بر آن به دلیل توانایی پروازی که دارد نمادی از خرد و نور نیز می‌باشد.

– نصیری، علی، (۱۳۸۶)، قرآن و هنر، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، تهران.

– مهرآبادی، میترا، (۱۳۷۴)، تاریخ ایران. تاریخ سلسله‌ی زیاری، دنیای کتاب.

– و سکایا، پیگولو، (۱۳۵۳)، تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران.

– هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه‌ی رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، ص ۴۷.

– هورنر، کریس، (۱۳۸۱)، آشنایی با فلسفه هنر، ترجمه‌ی شهاب الدین قندهاری، انتشارات سراج، تهران.

– هیلنز، جان، (۱۳۸۱)، شناخت اساطیر ایران، ژاله آموزگار و احمد تقضلی، سمت، چاپ هفتم.

– هیلنز، جان راسل، (۱۳۸۸)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی.

– سایت دایره المعارف بزرگ اسلامی،

29. Brend. Barbara, (۱۹۹۵), Islamic art, British museum press.

30. Brend. Robert Hillen, (۱۹۹۹), Islamic art & architecture, Thames & Hudson press.

31. Ethinghausen, Richard & Oleg Grabar, (۱۹۹۴), the art & architecture of Islam, Yale university press.

32. Sarkhosh, Curits Vesta, (۲۰۰۶), Persian Myths, London: The British Museum press.

33. Talbot rice, David, (۱۹۹۶), Islamic art, Thames & Hudson press.

– پرادا، ایدت، (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، ترجمه‌ی یوسف امین زاده، تهران، دانشگاه تهران.

– جنیدی، فریدون، (۱۳۸۸)، شاهنامه‌ی فردوسی، تهران، نشر بلخ.

– پیرنیا، حسن، (۱۳۸۳)، عصر اساطیری تاریخ ایران، به اهتمام سیروس ایزدی، انتشارات هیرمند، چاپ دوم، تهران.

– ترکمنی آذر، پروین – پرگاری، صالح، (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره‌ی صفاریان و علویان، تهران، انتشارات سمت.

– رضی، هاشم، (۱۳۸۱)، دانشنامه‌ی ایران باستان، جلد اول، انتشارات سخن، ص ۵۵۷.

– شعبانی، رضا، (۱۳۵۴)، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، نشر قرمس، چاپ دوم تهران.

– کلانتر، علی اصغر، (خرداد ۱۳۸۶)،

– ماهنامه‌ی خبرنگار، فرهنگستان هنر، سال ۶، شماره‌ی ۵۴، ص ۵۶-۶۳

– کوپر، جی. سی، (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه‌ی ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.

– گوهران، آلن، (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، جلد اول، ترجمه‌ی سودابه فضایی، تهران، انتشارات جیحون.

– فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، ۳۶۳، چاپ دوم.

– فقیهی، علی اصغر، (۱۳۶۰)، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا، تهران.

– طباطبایی، جواد، (۱۳۷۵)، خواجه نظام الملک، طرح نو، تهران.

– ناجی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

پی‌نوشت:

۱. اهریمن در مقابل اهورامزدا که قطب آفریننده‌ی خوبی‌هاست، قطب آفریننده‌ی بدی‌ها در جهان بینی ایران باستان است.

۲. جشن سده در آغاز شامگاه دهم بهمن‌ماه برابر با آبان روز از بهمن ماه برگزار می‌شود.

۴. جشنی که در بلندترین شب سال برگزار می‌شود و معروف است که این زمان شب تولد مهر ایزد کهن آریایی است.

۵. جشن مهرگان در مهر ماه از ماه مهر که طبق تقویم امروزی برابر با ۱۰ مهر ماه می‌شود در بزرگداشت ایزد مهر برپا می‌شود.

۶. آناهیتا ایزد بانوی آب‌ها در ایران باستان است که ارتباط نزدیکی با ایزد مهر دارد.

۷. دریاچه‌ای در نزدیکی مریوان که زمستان‌ها یخ می‌بندد و ماهی‌های مخصوص به خود دارد.

منابع:

– آسابرگر، آرتور، (۱۳۷۹)، نقد فرهنگی، ترجمه‌ی حمیرا مشیر زاده، انتشارات باز، تهران.

– احمد پناه، سید ابوتراب، زیبایی شناسی نقوش سفال نیشابور، هنرنامه، شماره‌ی دوازدهم، دانشگاه هنر، تهران.

– اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۸۷)، تاریخ ایران بعد از اسلام، صدای معاصر.

– الهنسی، عقیق، (۱۳۸۷)، هنر اسلامی، ترجمه‌ی محمود پور آقاسی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ دوم.

– باسورث ادموند، (۱۳۷۸)، کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی محمد مقدم تهران، امیرکبیر.

– بارت، رولان، (۱۳۸۴)، اسطوره، امروز، تهران، نشر مرکز.